

# بحران قره باغ در انتظار میزهای مذاکره

آتش بحرانی که شعله هایش از تابستان امسال منطقه جنوب قفقاز را دربر گرفته، اکنون به مرحله خطرناکی رسیده است که صدای طبل‌هایی آن، از یک درگیری دو جانبه فراتر به گوش می‌رسد، آن هم در روزهایی که گروه میانی مینسک، عملاً بی‌خاصیت نشان داده و تنها به نظاره نشسته است.

به گزارش ایرنا، درگیری‌های ۳۰ ساله بر سر منطقه قره باغ کوهستانی میان جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان، تابستان امسال دوباره کلید خورد. نبرد رخ داده میان ارتش‌های دو کشور اگرچه ۴ روز بیشتر طول نکشید، اما تلفات آن قابل ملاحظه بود. تلاش چندانی هم برای خاموش کردن آتش شعله ور شده صورت نگرفت. برخی دولت‌های منطقه از طرفین خوشبختنداری طلب و برخی دیگر با حمایت از یک طرف معادله، بحران را تعمیق کردند.

درگیری‌ها بار دیگر از یکشنبه این هفته شروع شد، اما این بار نگرانی‌های بیشتری از تبدیل این درگیری‌ها به یک جنگ منطقه‌ای و حتی بین‌المللی، مداخله بیشتر بازیگران خارج از منطقه و باز شدن پای تروریست‌ها از نقاط مختلف جهان به این منطقه، بروز داده شد.

انتظاری که از جامعه بین‌المللی و بازیگران منطقه‌ای، بویژه گروه مینسک به ریاست مشترک کشورهای روسیه، آمریکا و فرانسه وجود داشت، گویا بیهوده بود، اما اینکه گروه مینسک در تمام ۲۸ سال گذشته، نتوانست یا نخواست، مسئله‌ای قابل تامل است. درگیری‌های اخیر بیشتر از آنجا نگرانی‌ها را دامن زده است که طرفین دعوا یکدیگر را به بسیج نیروی جنگجو از سایر نقاط متهم می‌کنند.

ارمنستان و برخی منابع در منطقه، ترکیه را به حمایت از باکو متهم می‌کنند و اینکه آنکارا اقدام به انتقال گروه‌های تروریستی از شمال سوریه به منطقه درگیری در قره باغ کرده است. جمهوری آذربایجان هم ارمنستان را به بسیج و انتقال کردهای شمال سوریه و نیز نیروهای پ



ک ک و همچنین گروه‌های خشنی مانند دانشک‌ها به منطقه درگیری متهم می‌کنند.

اینکه این اطلاعات چه میزان صحت داشته باشد یا صرفاً کاربرد تبلیغاتی دارد، امری است که اثبات آن نیازمند زمان زیادی نیست، اما واقعیتی که بازیگران این صحنه باید در نظر داشته باشند اینکه باز شدن پای تروریست‌ها، افراط‌گرایان و اساساً جریان‌های خارج از منطقه به این بحران، به هر دلیل و بهانه‌ای، در شرایط حاضر به معنای دمیدن بر آتش پرافرخته در قفقاز است.

در ارتباط با بحران اخیر در قره باغ، چند نکته هم بدیهی و هم هشدار آمیز وجود دارد که دقت طرفین درگیر را می‌طلبد؛

۱- هرگونه ناامنی، جنگ و هرج و مرج، تمام منطقه را از خود متاثر خواهد ساخت و هزینه آن را ملت‌های منطقه باید بپردازند

۲- تجربه دست کم دو دهه اخیر نشان می‌دهد که تروریسم و تکفیر در

## اعلام آمادگی ایران برای ایفای نقش سازنده در حل اختلافات ارمنستان و آذربایجان

رئیس جمهوری با ابراز نگرانی از تحولات اخیر منطقه ناشی از مناقشه و درگیری میان ارمنستان و آذربایجان، تأکید کرد: جنگ و درگیری راه حل مناسبی برای حل مشکلات و اختلافات نیست و موجب پیچیده‌تر شدن اوضاع می‌شود.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی در تماس تلفنی با "نیکول پاشینیان" نخست‌وزیر ارمنستان با وی با تأکید بر اهمیت صلح، ثبات و امنیت در منطقه، اظهار داشت: ثبات و امنیت می‌تواند بستر توسعه باشد و منطقه ما تاب بی‌ثباتی و جنگ جدید را ندارد.

روحانی با اشاره به اختلافات در برنه ارمنستان و آذربایجان بر سر مسئله قره باغ و اینکه باید برای حل و فصل اختلافات در این زمینه در چارچوب مقررات بین‌المللی و تمامیت ارضی راه‌حلی یافت شود، تصریح کرد: توقف این درگیری‌ها برای ما مهم است و انتظار داریم دو کشور ارمنستان و آذربایجان با درایت و خوشبختنداری در این مسیر گام بردارند.

رئیس جمهوری با تأکید بر اینکه جنگ حتماً راه حل برطرف کردن مشکلات و تنش‌ها و اختلافات نیست، گفت: هرگونه دخالت خارجی در این ماجرا نه تنها به حل و فصل مشکل کمک نخواهد کرد بلکه درگیری‌ها و تنش‌ها را طولانی‌تر و اوضاع را پیچیده‌تر می‌کند.

روحانی با اشاره به اهمیت و سابقه طولانی روابط ایران با آذربایجان و ارمنستان بر مبنای تاریخ و فرهنگ مشترک، آمادگی جمهوری اسلامی ایران را برای ایفای هرگونه نقش سازنده که مورد نظر دو کشور دوست و همسایه باشد، اعلام کرد و گفت: آرزوی ما توقف فوری درگیری است و همه باید دنبال این باشیم که مسائل منطقه را از طریق سیاسی و مقررات بین‌المللی حل و فصل کنیم.

## هرگونه تنش و درگیری به زیان همه کشورهای منطقه است

نخست‌وزیر ارمنستان نیز در این گفتگوی تلفنی با اشاره به تحولات اخیر ناشی از درگیری‌های نظامی با آذربایجان، هرگونه تنش و درگیری را به زیان همه کشورهای منطقه دانست و از هرگونه ابتکار عملی برای توقف خشونت‌ها استقبال کرد.

"نیکول پاشینیان" از هرگونه مداخله خارجی در مسئله اختلافات این کشور با آذربایجان ابراز نگرانی کرد.

● بازیگران منطقه به جای بنزین پاشیدن بر آتش شعله ور شده، بهتر است طرفین را به خویشننداری و اجتناب از تشدید خشونت دعوت کنند و فضای مذاکرات و گفت‌وگوها را آماده سازند؛ کاری که اگر امروز نشود، سرانجام سال‌ها بعد خواهد شد. اما پس از هزینه‌های وحشتناکی که بر ملت‌های دو کشور تحمیل شده است

● با اینکه ظرفیت آمادگی ایران را برای استفاده از تمام ظرفیت‌های خود برای پایان دادن به بحران را به طرف‌های درگیر در باکو و ایروان اطلاع داد، اما واقعیت این است که این ابتکار عمل ایران نیاز به مشارکت سایر بازیگران منطقه‌ای بویژه مسکو و آنکارا هم دارد.

اکنون جا دارد سایر بازیگران نیز ضرورت حل فوری بحران قره باغ را که به مرحله خطرناک خود رسیده است، درک کنند و از همه امکانات و ظرفیت‌های موجود برای پایان دادن به آن استفاده کنند؛ بویژه آنکه این بحران می‌تواند به سایر نقاط و در سطح منطقه سرایت کند

موزه‌های جغرافیایی احترام بگذارند و به استیفای حقوق خود در چارچوب قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی بپردازند.

بازیگران منطقه نیز به جای بنزین پاشیدن بر آتش شعله ور شده، بهتر است طرفین را به خویشننداری و اجتناب از تشدید خشونت دعوت کنند و فضای مذاکرات و گفتگوها را آماده سازند؛ کاری که اگر امروز نشود، سرانجام سال‌ها بعد خواهد شد، اما پس از هزینه‌های وحشتناکی که بر ملت‌های دو کشور تحمیل شده است.

امید است که بازیگران موثر منطقه نیز همانگونه که جمهوری اسلامی ایران طرفین درگیر را به خویشننداری، پایان درگیری‌ها و آغاز مذاکرات فراخوانده است، تلاش‌های خود را شروع کنند. بی‌شک مداخله قدرت‌های خارجی، دامنه این نزاع طولانی مدت را گسترش خواهد داد، اما تلاش جمعی منطقه‌ای بویژه با مشارکت روسیه، ترکیه و ایران می‌تواند در حل این معضل قدیمی موثر واقع شود.

در همین چارچوب، محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان به دنبال تشدید درگیری‌های این دوره، یکشنبه شب در تماس تلفنی جداگانه با جیوچین بایراموف وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان و زهراب منتاسکانیان وزیر امور خارجه ارمنستان، آخرین تحولات میدانی را بررسی کرد، خواستار خویشننداری طرفین و شروع آتش بس و آغاز مذاکرات در چارچوب قوانین بین‌المللی شد.

وزیر امور خارجه کشورمان همچنین آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای استفاده از تمام ظرفیت‌های خود به منظور برقراری آتش بس، آغاز گفتگو و استقرار صلح و آرامش را به دو طرف اعلام کرد.

با اینکه ظریف آمادگی ایران را برای استفاده از تمام ظرفیت‌های خود برای پایان دادن به بحران را به طرف‌های درگیر در باکو و ایروان اطلاع داد، اما واقعیت این است که این ابتکار عمل ایران نیاز به مشارکت سایر بازیگران منطقه‌ای بویژه مسکو و آنکارا هم دارد.

اکنون جا دارد، سایر بازیگران نیز ضرورت حل فوری بحران قره باغ را که به مرحله خطرناک خود رسیده است، درک کنند و از همه امکانات و ظرفیت‌های موجود برای پایان دادن به آن استفاده کنند؛ بویژه آنکه این بحران می‌تواند به سایر نقاط و در سطح منطقه سرایت کند.

## راه حل

بی‌شک برای دستیابی به راه‌حل‌های منطقی و عقلانی و سهل‌الوصول و نیز حل پایدار بحران منطقه، لازم است، ریشه‌های بروز آن، از هنگامی که روس‌ها بعد از قراردادهای گلستان و ترکمنچای در قرن ۱۹ میلادی، تغییرات جمعیتی گسترده‌ای را در سراسر مناطق اشغالی ایجاد کردند و در طراحی مرزبندی‌های جدید، بگونه‌ای عمل شد که آرامش بخش‌های دور از مسکو همواره گروگان دولت مرکزی باشد.

از طرفی رقابت‌ها و جنگ‌های عثمانی و روسیه در حوالی دو جنگ جهانی نیز به آتش این اختلافات می‌دمید؛ از آن هنگام تخم اختلافات و کینه در منطقه کاشته شد. این استخوان لای زخم در منطقه در تمام این سال‌ها حفظ شد، تا اینکه جهان آماده ورود به عصری تازه می‌شد؛ جهان بدون شوروی!

هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی در اولین روزهای دهه ۹۰ قرن بیستم، آخرین نفس هایش را می‌کشد، کنترل منطقه قفقاز جنوبی همانند سایر مناطق از دست دولت مرکزی در مسکو خارج و قره باغ کوهستانی، در عمق قدیمی‌ترین مناطق تماماً ایرانی طول تاریخ، وارد یک تنش طولانی مدت می‌شود. درگیری‌ها در قره باغ که بخشی از جمهوری آذربایجان تلقی می‌شود، گویا از همان هنگام اراده‌ای در منطقه برای حل مسئله از طرق مسالمت آمیز وجود نداشت؛ درگیری‌هایی که از آغاز دهه ۹۰ میلادی قرن گذشته شروع شد.

گروه مینسک به ریاست مشترک روسیه، آمریکا، فرانسه و مشارکت کشورهای بلاروس، آلمان، ایتالیا، پرتغال، هلند، سوئد، فنلاند، ترکیه و همچنین ارمنستان و جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۲ برای حل بحران تشکیل شد که حاصل همه تلاش‌های آن آتش بسی بود که در سال ۱۹۹۴ به اجرا گذاشته شد، اما بسیار شکننده و ناپایدار؛ بطوری که دو کشور در ۲۰۱۶ وارد درگیری نظامی دیگری شدند.

حالا بعد از گذشت ۳۰ سال از این منازعه، همچنان میزهای مذاکره تنها راه حل به نظر می‌رسد؛ بحران موجود نشان داده است که این بحران راه حل نظامی ندارد؛ طرفین می‌بایست به حقوق یکدیگر بویژه در حوزه

رسوب یک میلیارد دلار قطعه در گمرک یعنی «خود تحریمی»

# ۱۰۰ هزار خودرو دارای کسری قطعه تکمیل می‌شود



محصولی ناقص به اصطلاح به کف کارخانه می‌رود تا وقتی که قطعه مورد نیاز تامین شود. این مسئله تبعات دیگری بر خودرو ساز خواهد داشت. نیاز تامین طی ماه‌های اخیر با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده است، تحریم‌ها، خودتحریمی‌ها، افزایش نرخ ارز، عدم تخصیص ارزی برای تامین قطعات، بخشی از این مشکلات هستند. عدم ترخیص ارز به قطعه‌سازان باعث می‌شود گره کور خودروهای دارای کسری قطعه بازنشده و هرروز بر تولید این خودروها افزوده شود. ادامه این روند بدون تردید باعث افزایش هزینه‌ها خواهد شد. صنعت خودروسازی به واسطه گرومی است، به عبارتی تعداد زیادی شرکت‌ها و زیر مجموعه‌ها کار می‌کنند تا یک دستگاه خودرو تولید شود. حالا کافی است از ۶ هزار قطعه مورد نیاز تولید خودرو یک یا دو قطعه به چرخه تولید نرسد تا روند تولید محصول نهایی دچار مشکل شود. در این میان این مشکل نه تنها باعث افزایش میزان نارضایتی مشتریان خواهد شد بلکه موجب می‌شود که زنجیره تامین نتواند به منابع مالی خود برسد. براساس آمار موجود، ۱۵۲ میلیون یورو مواد اولیه، قطعه و مجموعه خودروسازی متعلق به یک شرکت خودرو سازی و زنجیره تامین، در گمرک متوقف مانده و درانتظار ترخیص ارز است و به دلیل تاخیر در فرایند تخصیص ارز، ۳۰ هزار خودروی دارای کسری قطعه در پارکینگ این خودرو ساز متوقف شده است و امکان ترخیص کالا بدون کد رهگیری از گمرک امکان پذیر نیست و تنها مسیر برون رفت از مشکلات فعلی تولید، تسریع در تخصیص ارز برای دریافت کالا و قطعات از گمرک است. این درحالی است که در ۵۰ روز اخیر هیچ تخصیص ارزی برای واردات صورت نگرفته و کالا و خدمات و قطعات خودرو سازان در گمرک متوقف شده است. همچنین از دیگرسو، حدود یک میلیارد دلار قطعه در گمرکات رسوب کرده و حداقل ۱۰۰ هزار دستگاه منتظر همین قطعاتی است که اجازه ترخیص ندارند. بخشی از این قطعات تاریخ انقضا دارد و با تعلل نهادهای ذی‌ربط هرروز به هزینه انبارداری آن‌ها اضافه می‌شود. بانک مرکزی هم در این شرایط باید از انقباضی عمل کردن فاصله گرفته و اجازه دهد واردات بخشی از قطعات بدون

بازار اتفاق افتاده است و کمترین بازدهی در صنعت خودرو طی سال‌های ۹۲ تا تیر ماه ۹۷ به دلیل قیمت گذاری دستوری رخ داده است. شرایط حال حاضر بیانگر این است که سیاستهای اتخاذ شده اخیر معضلات را حل نکرده و در صحنه عمل شکست خورده و باعث آشفتنگی بیشتر بازار گردیده است. با تصویب و جاری سازی سیاست فروش در حاشیه بازار، خودروساز در کوتاه مدت و برای فروکش کردن التهاب بازار، ظرفیت فروش در زیر قیمت بازار فعلی را دارد. با تصویب این سیاست و در صورت ثابت بودن سایر شرایط، فاصله غیرمنطقی قیمت عادلانه با قیمت سوداگرانه بازار خودرو تعدیل شده و حذف خواهد گردید.

صنعت خودرو به دلیل عدم تامین یک یا دو قطعه که ناشی از مشکلات ارزی و ترخیص به موقع آن است، کل زنجیره تامین خسارت می‌بیند و



تجربه نشان داده است هرگاه دولت برای کنترل بازار وارد عمل شده، ثباتی نسبی و کوتاه مدت بر بازار سایه می‌افکند ولی ناگهان به دلیل پشتوانه خالی این فشار همه جانبه، باردیگر فنر قیمت‌ها و نظارت‌ها از جا در رفته و با اثری مخرب‌تر مواجه می‌شویم.

التهاب امروز بازار خودرو و شکاف شدید قیمت‌های خودروساز و بازار، نتیجه تصمیمات غلط در حوزه قیمت است که سبب شده قطعه‌ساز و خودروساز با زیان تولید کنند و عرضه خودرو نیز ناکافی باشد. از سال ۷۷ تا سال ۸۸ قیمت خودرو در حاشیه بازار تعیین می‌شد و از سال ۸۸ تا ۹۹ قیمت خودرو در راستای سیاست‌های تثبیت قیمت‌ها و دستورالعمل‌های شورای رقابت تعیین و به خودروسازان ابلاغ شده است. تفاوت این دونوع شیوه قیمت گذاری نشان می‌دهد، بیشترین رشد و توسعه در شرکت‌های خودروسازی طی سالهای ۷۷ تا ۸۸ به دلیل تعیین قیمت درحاشیه بازار اتفاق افتاده است و کمترین بازدهی در صنعت خودرو طی سال‌های ۹۲ تا تیر ماه ۹۷ به دلیل قیمت گذاری دستوری رخ داده است

مجموع زیان انباشته صنعت خودرو و قطعه سازی ایران به دلیل قیمت گذاری دستوری به بیش از ۸۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد. درمقابل سود بالای ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی شرکت‌های بالادستی و تولید کنندگان مواد اولیه هرگونه توازن و تعادل موجود را برهم زده است.

مجادله شورای رقابت با ستاد تنظیم بازار و اساساً اینکه چه نهادی باید مسئولیت قیمت گذاری در صنعت خودرو را برعهده بگیرد، سابقه‌ای چندین و چند ساله دارد. با نگاهی به گذشته و بررسی دو شیوه متفاوت قیمت گذاری و مقایسه شاخص بهای ساخت و شاخص قیمت خودرو متوجه می‌شویم که در دورانی که قیمت گذاری براساس حاشیه بازار بوده است تفاوت قیمت تمام شده فاصله زیادی با شاخص قیمت خودروساز بازار نداشت و براساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شد، اما در زمان قیمت گذاری با روش شورای رقابت شاهد فاصله عجیب و غریب این دو از هم هستیم!

● التهاب امروز بازار خودرو و شکاف شدید قیمت‌های خودروساز و بازار، نتیجه تصمیمات غلط در حوزه قیمت است که سبب شده قطعه‌ساز و خودروساز با زیان تولید کنند و عرضه خودرو نیز ناکافی باشد. از سال ۷۷ تا سال ۸۸ قیمت خودرو در حاشیه بازار تعیین می‌شد و از سال ۸۸ تا ۹۹ قیمت خودرو در راستای سیاست‌های تثبیت قیمت‌ها و دستورالعمل‌های شورای رقابت تعیین و به خودروسازان ابلاغ شده است. تفاوت این دونوع شیوه قیمت گذاری نشان می‌دهد، بیشترین رشد و توسعه در شرکت‌های خودروسازی طی سالهای ۷۷ تا ۸۸ به دلیل تعیین قیمت درحاشیه بازار اتفاق افتاده است و کمترین بازدهی در صنعت خودرو طی سال‌های ۹۲ تا تیر ماه ۹۷ به دلیل قیمت گذاری دستوری رخ داده است

● شرایط حال حاضر بیانگر این است که سیاستهای اتخاذ شده اخیر معضلات را حل نکرده و در صحنه عمل شکست خورده و باعث آشفتنگی بیشتر بازار گردیده است. با تصویب و جاری سازی سیاست فروش در حاشیه بازار، خودروساز در کوتاه مدت و برای فروکش کردن التهاب بازار، ظرفیت فروش در زیر قیمت بازار فعلی را دارد. با تصویب این سیاست و در صورت ثابت بودن سایر شرایط، فاصله غیرمنطقی قیمت عادلانه با قیمت سوداگرانه بازار خودرو تعدیل شده و حذف خواهد گردید